

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشت تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم وير زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبد اللطيف صديقي للندري
کانادا - ۱۱ اپریل ۲۰۱۰

دیده پر خون

ای صنم از هجر تو دردم چه افزون می شود
می روم از دست تو، دلبر بده دستی مرا
چون بدیدم آن قد و بالای تو سروسهی
بین که هجرانت ز چشمانم بریزد سیل اشک
در فراق روی او کی باشدم تاب و توان
می رود اشکم ز چشم و خون چکد از قلب زار
لحظه ای بی عشق یارم دل کجا گیرد قرار
زار نالم از غمش آشفته محزون می شود
حالت زارم نگر هر دم دگرگون می شود
گیر دستم را بدستت بین چه موزون می شود
پیش چشمم هر کسی چون بید مجنون می شود
آب چشمانم ز هجرت رود جیحون می شود
روز و شب از دوریش صد ناله افزون می شود
چون کنم یاد ترا این دیده پر خون می شود
زار نالم از غمش آشفته محزون می شود
رو بکن سویم بیا با پیکر لیلی صفت
گر نیائی از لطیف، قیس مجنون می شود